

اصول ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه مبتنی بر سیره نبوی

سیداصغر جعفری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۵

چکیده

یکی از دیرپاترین پدیده‌های جامعه بشری، جنگ است. جنگ همواره با آسیب‌های فراوان انسانی، مادی، طبیعی و رفتارهای خشونت‌آمیز آمیخته بوده است؛ اما اسلام، چون آیین صلح و امنیت است، جنگ را پدیده‌ای عارضی و تحمیلی می‌شناسد. از این رو، بعد از صدور فرمان وجوب دفاع در برابر متجاوزان، با تبیین آداب و مقرراتی، خط بطلانی بر تفکرات خشونت‌آمیز و غیرانسانی در جنگ کشید و خداوند به حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دستور داده است تا مسائل انسانی و اخلاقی در میدان کارزار فراموش نشود. این پژوهش که با هدف شناسایی اصول ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه مبتنی بر سیره نبوی انجام شده، از نظر ماهیت کیفی، به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش ابتدا سیره دفاعی پیامبر اسلام (ص) مورد بررسی قرار گرفته، سپس ضمن تشریح دلایل رعایت مسائل انسانی و اخلاقی در درگیری‌های مسلحانه، هشت اصل به‌عنوان اصول اساسی ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه استخراج نموده تا در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظام دفاعی-امنیتی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: دفاع، پیامبر، جنگ، تسلیحات، مخاصمات مسلحانه.

مقدمه

جنگ یا مخاصمات مسلحانه^۱ نام سنتی برخورد میان دو یا چند دولت است که در آن نیروهای مسلح طرف‌ها، درگیر اقدامات خشونت‌آمیز متقابل می‌شوند (مصفا و همکاران، ۱۳۶۵: ۱). رفتارهای خشونت‌آمیز و غیرانسانی، کشته شدن انسان‌های بی‌گناه، کودکان، زنان و سالخورده‌گان، نابودی و غارت اموال و دارایی‌ها و تخریب محیط‌زیست از جمله عوارض جنگ در جوامع انسانی بوده و هست. اما اسلام، بعد از صدور فرمان جهاد و وجوب دفاع در برابر متجاوزان (سوره حج، آیه ۳۹)، خط بطلانی بر تفکرات خشونت‌آمیز و غیرانسانی در جنگ کشید و با تبیین آداب و مقرراتی برای مخاصمات مسلحانه، اعم از آداب و مقررات پیش از شروع جنگ، حین جنگ و بعد از جنگ درصدد برآمد تا از هر نوع انحراف از موازین اسلامی جلوگیری شود. بدین‌سان، اصل رعایت قواعد انسانی به‌عنوان یکی از محوری‌ترین آئین کارزار و شیوه پیکار در اسلام تجلی یافت (اشراق، ۱۳۶۸: ۳۴۱)، چرا که اسلام، جنگ را برای وصول به حق به‌کار می‌گیرد و نه آنکه بخواهد آن را در راه دنیا و شهوت‌های دنیایی و زر و زیورهای آن و نه در راه انتقام‌گیری و التیام جان و روح از دست مخالفین به‌کار گیرد (احمدی میانجی، ۱۳۸۸: ۷۷).

سیره دفاعی پیامبر اعظم (ص) گواهی صادق بر این موضوع است که آن حضرت هیچ یک از روش‌های غیرانسانی مرسوم در آن زمان را در نبرد با دشمن به‌کار نگرفته، بلکه مقرراتی را درباره رفتار با نظامیان و غیرنظامیان، مجروحان، کودکان، زنان، سالخورده‌گان دشمن و اسیران پایه‌گذاری کردند تا حس بشردوستی بر ماهیت خشن و بی‌رحم جنگ غلبه داشته باشد و این چیزی است که امروزه در عرصه بین‌المللی به حقوق بشردوستانه تعبیر می‌شود.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۲، مجموعه‌ای از قواعد است که در پی محدود کردن آثار مخاصمه است. این شاخه از حقوق بین‌الملل، حقوق اشخاصی که در مخاصمه شرکت نداشته یا از صحنه نبرد خارج شده‌اند، تحت حمایت قرار می‌دهد و ابزار و روش‌های جنگ را محدود می‌نماید (The International Committee of the Red Cross, ۲۰۰۴: ۱). به‌عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مجموعه قواعد حقوق بین‌المللی است که ضمن تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها در مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌المللی یا غیر بین‌المللی، تکالیف افراد و کشورها را نیز در آن

^۱ - Armed Conflict

^۲ - International Humanitarian Law (IHL).

مخاصمات مشخص می‌کند. [ضمن آن‌که] با محدود کردن صدمات و لطمات ناشی از مخاصمات مسلحانه و ممنوع کردن استفاده از برخی سلاح‌ها، از افراد نظامی و غیرنظامی و نیز اهداف غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه حمایت می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲). در واقع حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق هدایت رفتار در مخاصمات مسلحانه با نگاهی به کاهش آلام و رنج بشر می‌باشد (Dinstein, ۲۰۰۴: ۲۰).

پژوهش حاضر با هدف «شناسایی اصول ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه مبتنی بر سیره نبوی» از طریق واکاوی نمونه‌هایی از رفتار ایشان در حوزه دفاعی، در نظر دارد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که «اصول اساسی ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه بر پایه سیره دفاعی پیامبر اسلام شامل چه مواردی می‌شود؟» ضرورت انجام این پژوهش به این دلیل است که در شرایطی که دنیای استکباری در صدد تحریف شخصیت و اندیشه دفاعی اسلام و شخص پیامبر اعظم (ص) است، می‌توان با تبیین جلوه‌هایی از سیره دفاعی آن حضرت، ضمن نشان‌دادن آموزه‌های اسلامی در رعایت مسائل انسانی و اخلاقی در مخاصمات مسلحانه، واقعیات در باره وجود گرامی پیامبر اسلام (ص) در حوزه دفاعی را آشکار نموده و غبارهای تحریف را از چهره ایشان بزداید؛ علاوه بر آنکه برای کشورمان که در چارچوب نظام اسلامی برنامه‌های جامعه را به مورد اجرا در می‌آورد، با آشنا ساختن شدن سیاست‌گذاران و مقامات نظامی و غیرنظامی به اصول ممنوعه در جریان درگیری‌های مسلحانه، آن‌ها را در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری نظام دفاعی-امنیتی مورد بهره‌برداری قرار دهند.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

تعریف دفاع

دفاع در لغت عربی از ریشه «دَفَع» است. این لفظ در ماده اصلی آن، به معنای دور نمودن چیزی است (راغب اصفهانی، بی تا: ۳۱۶). در زبان فارسی به معنای از کسی حمایت کردن، بدی و آزاری را از خود یا دیگری دور کردن، وطن و ناموس و حقوق خود را از دستبرد دشمن حفظ کردن است (عمید، ۱۳۶۲: ۵۰۱). در اصطلاح فقهی، دفاع عبارت از تکلیف و حقوقی است که از سوی خداوند به‌عنوان مالک و قانون‌گذار مطرح شده است. شخص از این حق برخوردار است که برای پیشگیری از آسیب‌هایی که اعتقاد و مال و جان و آبروی وی را تهدید می‌کند دفاع و حمایت کند، و از یک نظر تکلیفی است که نمی‌تواند از آن عدول نماید. بنابراین، همواره سخن از حق دفاع از جان، مال و عرض به میان می‌آید و به‌عنوان تکلیف از وی خواسته شده تا آن‌ها را از هرگونه

آسیب در امان نگه دارد و محافظت نماید و در برابر متجاوز بایستد و از آن‌ها حمایت کند (سلطانی، ۱۳۹۶). در اصطلاح نظامی، دفاع به راه‌ها و روش‌هایی گفته می‌شود که در جنگ‌ها برای دفع حملات دشمن به کار گرفته می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۷۲: ۱۲۶). بنابراین، دفاع یعنی ایستادگی در مقابل تهاجم و اولین تصویری که از این مفهوم در ذهن پدید می‌آید این است که هجومی رخ دهد و گروهی در مقابل دفاع کنند. با این وصف می‌توان گفت، دفاع به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که انسان برای حفظ و حراست از حیات، اعتقادات، سرزمین خود در برابر خطراتی که او را تهدید می‌کند، انجام می‌دهد.

مفهوم سیره

کلمه سیره اسم مصدر از ریشه "س ی ر" و جمع آن سیر و سیرات است که به معانی مختلفی به کار رفته است. یکی از این معانی، طریقه و روش است. در اصطلاح نیز سیره عبارت است از بنای عملی انسان‌ها در طول تاریخ بر انجام کاری و یا بر ترک آن. به عبارت دیگر، سیره عبارت است از استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری و یا ترک عملی (فرهنگ نامه اصول فقه، بی تا: ۴۹۴). این واژه بر وزن فعله به معنای نوع و کیفیت رفتن است (ابن منظور، ج ۷: ۴۵۴) و در اصطلاح مورخان صدر اسلام به معنای احوال و تاریخ زندگی پیامبر بوده است (عبدالمحمدی، ۱۳۸۹: ۲۷)، سیره‌ی پیغمبر، یعنی سبک پیغمبر، روشی که پیغمبر در عمل و روش برای مقاصد خودش به کار می‌برد (مطهری، الف، ۱۳۷۴: ۵۳). با در نظر گرفتن مفاهیم فوق، در تعریف سیره دفاعی پیامبر می‌توان گفت: سیده دفاعی پیامبر (ص) عبارت است از سبک، روش و قواعد خاص رفتاری پیامبر (ص) که از جنبه‌های گوناگون در حوزه دفاعی، قابل استنباط است. به دیگر سخن، سیره دفاعی پیامبر شامل روش‌هایی است که پیامبر برای دفاع از مسلمانان و سرزمین اسلامی و مقابله با دشمنان به کار می‌بردند.

مفهوم روش ممنوعه نظامی

در دانشنامه حقوق بین‌الملل، روش‌هایی که شامل نقض قواعد پذیرفته شده حقوقی درباره رفتار انسان در ارتباط با دشمن باشد، به عنوان روش ممنوعه در جنگ به‌شمار می‌آید (Robert ۱۹۸۷, Pootnote No. ۳۵۶, LBledsoe and Boleslaw A. Boezek). در تعریف رفتار انسانی^۱ نیز می‌توان گفت: هرگونه اعمال و رفتار در جنگ که باعث آرامش روحی و روانی افراد شود و یا از حیات، تمامیت جسمی و ذهنی، شخصیت، منزلت و کرامت انسانی فرد در

۱ - humanity behavior

منازعات مسلحانه (اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی) حمایت شود، رفتار انسانی است (جعفری، ۱۳۹۴: ۱۱۰). با این توصیف، روش ممنوعه نظامی عبارت است از مجموعه‌ای از اقدامات مغایر با رفتار انسانی در جنگ که موجب کشته شدن انسان‌های بی‌گناه، کودکان، زنان و سالمخوردگان و انهدام اموال و دارایی‌های مردم، زجر کش کردن رزمندگان و تخریب محیط زیست می‌شود.

روش ممنوعه در جنگ از نظر مقررات بین‌المللی

بررسی وقایع گذشته به‌ویژه حوادث دهشتناک جنگ جهانی اول و دوم، نشان‌دهنده این موضوع است که جنگ و "توسل به زور" یکی از ابزارها و شیوه‌های مرسوم دولت‌ها بوده که بر روابط میان آن‌ها سایه افکنده بود. عدم کارایی اصل ممنوعیت جنگ و توسل به زور در مناسبات بین‌المللی سبب شد تا کشورها تلاش خود را در جهت تهیه و تدوین قواعد و مقررات حقوقی ناظر بر جنگ‌ها به‌کار گیرند. به همین دلیل، "حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه"^۱ شکل گرفته تا جنگ مفهوم حقوقی به خود گیرد.

حقوق مخاصمات مسلحانه

در توصیف حقوق مخاصمات مسلحانه می‌توان گفت که:

(الف) بخشی از حقوق بین‌الملل است.

(ب) در هنگام مخاصمات مسلحانه بر روابط بین کشورها حاکم است.

(ج) هدف آن تا حد امکان، کاهش آلام، صدمات و خسارات ناشی از جنگ است.

(د) وظایفی را بر عهده اشخاص ساکن در این کشورها، به‌خصوص اعضای نیروهای مسلح آن‌ها می‌گذارد.

(ه) مع‌الوصف هدف از آن جلوگیری از کارایی نظامی نمی‌باشد (راجرز و پل مالرب، ۱۳۸۲: ۳۱).

دو جریان به‌عنوان نقطه عطف شکل‌گیری مقررات در مخاصمات مسلحانه شد؛ یکی حادثه جنگ «سولفرینو» بود که منجر به تدوین کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴ در مورد بهبود وضعیت مجروحین نیروهای مسلح در میدان نبرد شد^۲ (Fleck, ۲۰۰۹: ۲۲). دیگری، صدور اعلامیه سن پترزبورگ در

^۱ - Use of Force

^۲ - International Armed Conflicts Law

^۲ - جنگ دهشتناکی میان سه کشور اروپایی فرانسه، اتریش و ایتالیا در محلی در شمال ایتالیا، بنام «سولفرینو» بر افروخته شد و قریب به چهل هزار مجروح برجای گذاشت. مجروحین در منطقه نبرد به علت شدت جراحت در حال جان باختن بودند و کسی توجهی به آنان نداشت و مداوای‌شان نمی‌کرد. جوان بازرگان سوئسی «هانری دونان» که اندکی پس از نبرد به منطقه جنگ وارد شد و صحنه‌های رقت بار را مشاهده کرد، سخت تحت تاثیر قرار گرفت و

سال ۱۸۶۸ بود که محدودیت‌هایی را در راستای استفاده از سلاح‌های جنگی که باعث درد و رنج غیرضروری می‌شوند، ایجاد کرد (Dinstein, ۲۰۰۴:۹). این دو سند باعث به‌وجود آمدن دو شاخه از قواعد و مقررات بین‌المللی شد که از مجموع هر دو شاخه حقوق مخاصمات مسلحانه به عبارتی حقوق بین‌الملل بشردوستانه شکل گرفت. یکی حقوق لاهه که قواعد مربوط به مخاصمات را در قبال هر کسی که درگیر در جنگ می‌شد، مقرر می‌داشت و دیگری حقوق ژنو که مشتمل بر قواعد حمایت‌کننده از اشخاصی بود که در عملیات مسلحانه شرکت نداشتند، اسلحه به زمین گذاشته بودند و یا خارج از قلمرو و عملیات نظامی قرار داشتند (جعفری، ۱۳۹۴: ۱۲۸). با مرور زمان و تحولات به وجود آمده در عرصه جهانی و شعله‌ور شدن درگیری‌ها در برخی از مناطق جهان و عدم پاسخگویی کامل حقوق لاهه و حقوق ژنو به تحولات و حوادث موجود، نیاز به شفاف‌سازی و توسعه قواعد مطرح شده در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و بخشی از مقررات لاهه، امری ضروری تلقی شد. بدین‌منظور در سال ۱۹۷۷ کنفرانسی در ژنو تشکیل و دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ که بررسی مفاد آن از سالیان قبل شروع شده بود، تصویب گردید (Fleck, ۲۰۰۹: ۲۹). پروتکل اول در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی^۱ و پروتکل دوم در رابطه با حمایت از قربانیان مخاصمات غیربین‌المللی^۲ است. مقصود مهم تمامی این کوشش‌ها آن بود که اگرچه جنگ به امری ضروری، اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل‌انکار تبدیل شده است و هر روز با وسعت بیشتر و در محدوده جغرافیایی وسیع‌تری در جریان است، اما می‌توان با در نظر داشتن معیارها و ضوابطی یعنی تحدید ابزار و هدف‌های آن، جنگ را انسانی نمود (Tomuschat, ۱۹۸۶:۱۳۲).

اقدامات اولیه امدادی را با کمک افراد محلی سازماندهی کرد. وی پس از بازگشت به کشورش با نگارش کتابی تحت عنوان «خاطرات سولفرینو» دو پیشنهاد بدیع ارائه کرد: ۱- برای مراقبت از مجروحین و مصدومین در جنگ در تمام کشورها یک جمعیت امدادی متشکل از داوطلبان علاقمند و شایسته تاسیس شود. ۲- باتوجه به اجتناب‌ناپذیر بودن وقوع جنگ‌ها در آینده، دولت‌های جهان با اجتماع در یک کنگره جهانی، اصول تخلف‌ناپذیر حقوق مخاصمات مسلحانه را تنظیم و تصویب نمایند (دونان، ۱۳۸۸: ۱۲۴-۱۱۴). پیشنهاد اول هانری دونان منجر به تاسیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۸۶۳ شد و پیشنهاد دوم نیز تصویب اولین کنوانسیون ژنو در سال ۱۸۶۴ را در بر داشت (کتعانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۸).

^۱- Protocol of 8 June 1977 Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Concerning the Protection of Victims of International Armed Conflicts (AP I).

^۲ - Protocol of 8 June 1977 Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Concerning the Protection of Victims of Non- International Armed Conflicts (AP II).

مطالعه تطبیقی مخاصمات مسلحانه میان اسلام و حقوق بین الملل

بررسی اجمالی پیشینه تاریخی جنگ و توسل به زور نشان می‌دهد که تاریخ حیات بشری مشحون از نبردهای خونینی است که بهای آن را هزاران انسان بی‌گناه با خون خود پرداخته‌اند. این پدیده چنان گسترش یافته بود که بسیاری مانند سن آگوستین (فیلسوف مسیحیت در اوایل قرون وسطی)، آن را عمل مشروع و عادلانه می‌دانستند (حیدری، ۱۳۷۶: ۶۰). اما مشاهده نتایج و آثار این پدیده در تاریخ معاصر، طرفداران صلح را بر آن داشت تا تلاش‌هایی را در ممنوعیت این پدیده شوم به عمل آورند. حاصل این تلاش‌ها و اقدامات ممنوعیت جنگ و توسل به زور در پیمان پاریس (۱۹۲۸) و منشور ملل متحد (۱۹۴۵) بود. با وجود این ممنوعیت و نیز تقبیح آن نزد افکار عمومی، هم‌چنان بخش قابل توجهی از منابع و قدرت ابتکار بشر در راه جنگ و تهیه تدارکات جنگی صرف شده است تا بدان حد که با پیشرفت و توسعه جنگ‌افزارها، به‌ویژه تولید و گسترش سلاح‌هایی با قدرت تخریبی فزاینده و کشتار جمعی و کاربرد آن، شدت این آسیب‌ها و خسارات را چندین برابر کرده است. برخی دولت‌ها از تسلیحاتی استفاده می‌کردند که قادر به تشخیص هدف نظامی از غیرنظامی نبود و درد و رنج بی‌هوده بر رزمندگان وارد می‌ساخت. به همین لحاظ همه تمدن‌ها، مکاتب، متفکرین و دانشمندان به دلیل عدم کامیابی و موفقیت‌شان در حذف جنگ از چرخه حیات، کوشش نموده‌اند تا با وضع قواعد و مقرراتی بتوانند میزان سببیت در جنگ‌ها را از طریق نامحدود نبودن اختیار دولت‌ها در کاربرد ابزارها و روش‌های جنگی و ممنوعیت کاربرد شیوه‌ها و وسائل جنگی ایجاد کننده درد و رنج غیر ضروری، کاهش داده و یا پیشگیری نمایند. به مرور زمان قواعد و مقررات شکل گرفته از رویه دولت‌ها (حقوق عرفی)، حقوق قراردادی یعنی، معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی شامل کنوانسیون‌های لاهه و ژنو و پروتکل‌های الحاقی اول و دوم ۱۹۷۷ به‌عنوان ابزارهای تضمین حقوق مخاصمات مسلحانه در عرصه جهانی تجلی یافت. اگرچه جامعه بین‌المللی در این راستا هم‌چنان با نقض آشکار بسیاری از مقررات مخاصمات مسلحانه مواجه می‌باشد، با این وجود این قواعد و مقررات تا اندازه‌ای توانسته‌اند برخی از دولت‌ها را در کاربرد پاره‌ای از ابزارها و روش‌ها در جنگ با ممنوعیت مواجه سازند (جعفری، ۱۳۹۴: ۵۶۳-۵۷۱).

اما اسلام، از همان ابتدای شکل‌گیری، اساس را بر صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز عادلانه قرار داده است. چنان‌که در ۱۳ سال دوران بعثت که رسول خدا (ص) در مکه زندگی می‌کردند و آنگاه، حدود دو سالی که در مدینه حکومت اسلامی را تشکیل دادند، جنگ مطرح نبوده است؛ ولی از

سال دوم هجری، هنگامی که دشمنان برای تصاحب سرزمین مسلمانان و از بین بردن اسلام و مسلمین جنگ تهاجمی را آغاز کردند، بنا به فرمان الهی، آن هم به این دلیل که همه راه‌های ممکن برای هم‌زیستی عادلانه بسته شده بود، اجازه جهاد به مسلمانان داده شد تا در مقام دفاع بجنگند؛ چرا که هیچ ملتی نمی‌تواند با دشمنی که تهدیدکننده حیات و تکامل او است، جنگ نکند، حتی اگر برانداختن چنین دشمنی با هیچ وسیله‌ای جز کشتن یا کشته شدن میسر نگردد. گرچه به لحاظ عاطفی و سرشت بشری نتیجه این چنین جنگی مورد پذیرش نباشد، اما از آنجایی که به وسیله این ابزار، باطلی محو و حقی جایگزین می‌شود، امری روا و مشروع است. از این‌رو، اسلام نبرد و مبارزه را به رسمیت شناخته، ولی هرگز این گزینه را یک تحریک حیوانی مثل عموم جنگ‌های جهان‌گیران دنیا که به بهانه‌های واهی به تصرف سرزمین دیگران می‌پرداختند، ندانسته است؛ بلکه مسئله جنگ را اصلاح نموده و صورتی خاص به آن داده و در جهت هدف متعالی و انسانی آن را مشروع دانسته که از آن به "جهاد فی سبیل الله" تعبیر می‌شود. بنابراین، اسلام با ممنوع نمودن جنگ تجاوزکارانه، بر اصل ایستادگی در مقابل تهاجم یا همان دفاع مشروع و رد تجاوز تاکید کرده است. علاوه بر آنکه در آن عصر، استفاده از هرگونه وسایل و روش در جنگ برای پیروز شدن در مصاف با دشمن امری عادی بود، اما اسلام هرگز آن را آزاد و نامحدود نگذاشت، بلکه محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را بر آن وضع نموده است، زیرا که هدف اصلی اسلام هدایت و نجات انسان‌ها بوده است، نه قتل و کشتار او. به همین دلیل دستور داده چنانچه مسلمانان ناگزیر به استفاده از سلاح شدند باید به کمترین خسارت و تلفات اکتفا نموده و از هرگونه تعدی و افراط خودداری نمایند (سوره مائده، آیه ۸). نمونه‌های فراوانی از سیره پیامبر (ص) در زمان جنگ وجود دارد که نشان می‌دهد علاوه بر این که ایشان در تمامی نبردها، ملاحظات انسان‌دوستانه را مورد توجه قرار می‌دادند، بلکه هرگاه لشکری را به میدان جنگ می‌فرستادند، قبل از اعزام‌شان آن‌ها را به رعایت اصول انسانی در جنگ موعظه و ارشاد می‌نموده‌اند. بر مبنای همین شیوه بود که فقیهان مسلمان بر ممنوعیت کاربرد برخی از تسلیحات حکم دادند. چنان‌که القای سم را بر سرزمین مشرکان ممنوع کرده‌اند (کلینی، اصول کافی، ج ۵: ۲۹).

پیشینه پژوهش

برای انجام این پژوهش مقالات داخلی، خارجی و کتب متعددی مورد مطالعه قرار گرفته که عمدتاً درباره راهبرد نظامی و اصول و قواعد جنگ بوده است و کمتر به موضوع مقررات ممنوعه در جنگ اشاره شده است. برای نمونه چند مقاله در پیشینه پژوهش لحاظ خواهد شد.

جدول ۱. پیشینه مقررات و قواعد مربوط به جنگ

عنوان	نویسنده / سال	نتیجه
اصول حقوق بشردوستانه از دیدگاه امام خمینی (ره)	سیداصغر جعفری / ۱۳۹۶	این پژوهش نشان داد که با وجود نقض مقررات بشردوستانه از سوی ارتش بعثی عراق در طول هشت سال جنگ تحمیلی، حضرت امام (ره) هرگز اجازه ندادند رزمندگان اسلام آن مقررات را نادیده بگیرند.
جستاری در قوانین و مقررات بشردوستانه در فقه اسلام	عباسعلی عظیمی شوشتری / ۱۳۹۱	این مقاله اشاره دارد که پیامبر مجموعه‌ای از مقررات را در جنگ وضع کردند تا حس کینه توزی و انتقام انسان در جنگ‌ها مهار شود.
اصول حاکم بر حقوق بشر دوستانه در پرتو قرآن کریم	ناصر قربان‌نیا / ۱۳۹۱	این مقاله به تشریح دیدگاه قرآن درباره رفتار انسانی با دشمن در زمان جنگ پرداخته است.
جنگ، غیرنظامیان و حقوق بشردوستانه در اسلام	عوض نگهداری / ۱۳۸۶	در این پژوهش اصول و قواعد اساسی محدودکننده جنگ در مورد اشخاص و رعایت حقوق انسانیت در جنگ را تشریح کرد.
اصل تفکیک در اسلام و حقوق بشر دوستانه یا اصول محدود کننده جنگ در مورد اشخاص غیر نظامی	محمد مهدی کریمی نیا / ۱۳۸۶	این مقاله ضمن تبیین دیدگاه اسلام راجع به اصالت صلح و پرهیز از وقوع جنگ به اصول و قواعد اساسی محدود کننده جنگ در مورد اشخاص پرداخته است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است. زیرا از نتایج این تحقیقات می‌توان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده کرد. از نظر ماهیت کیفی و به لحاظ روش گردآوری اطلاعات، توصیفی-تحلیلی است. در این روش، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسأله می‌پردازد.^۱ در این پژوهش ابتدا سیره دفاعی پیامبر اسلام (ص) مورد بررسی قرار گرفته و سپس ضمن تشریح دلایل رعایت مسائل انسانی و اخلاقی در درگیری‌های مسلحانه، هشت اصل به‌عنوان اصول اساسی ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه احصا شد تا در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نظام دفاعی-امنیتی مورد استفاده قرار گیرد.

تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

چرایی رفتار انسانی در مخاصمات مسلحانه

آموزه‌های اسلامی برای هدایت همه جهانیان در طریق سعادت و کمال است. زیرا که، اسلام دین جهانی (سوره سبأ، آیه ۲۸)، منطبق با فطرت انسانی (سوره روم، آیه ۳۰) و خطاب‌های قرآن، متوجه همهٔ انسان‌ها است (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷)؛ برایش فرقی نمی‌کند که این انسان در کجای زمین زندگی می‌کند و یا مثلاً از کدام نژاد و ملتی است (سوره حجرات، آیه ۱۳). به همین دلیل از همان بدو طلوع، اندیشه زندگی مسالمت‌آمیز را در قالب یک اعلامیه جهانی مطرح نموده است (سوره آل عمران، آیه ۶۴). با چنین نگرشی، پیامبر اسلام (ص) نیز سنگ‌بنای زندگی مسالمت‌آمیز را با انعقاد منشور مدینه آغاز کرد (شهیدی، ۱۳۸۲: ۶۳-۶۵) و به تدریج به توسعه و گسترش آن پرداخت. به همین دلیل اسلام برای جنگ و منازعه برنامه و قواعد مفصلی بر پایهٔ رحمت، عدالت و رعایت حقوق و شئون انسانیت تنظیم کرده است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۲۲) و در قرآن مجید بر رعایت عدالت و تجاوز نکردن از حدود معقول انسانی در مقابل دشمنان تاکید فراوان شده است (سوره بقره، آیه ۱۹۰ و ۱۹۴ و سوره مائده، آیه ۲).

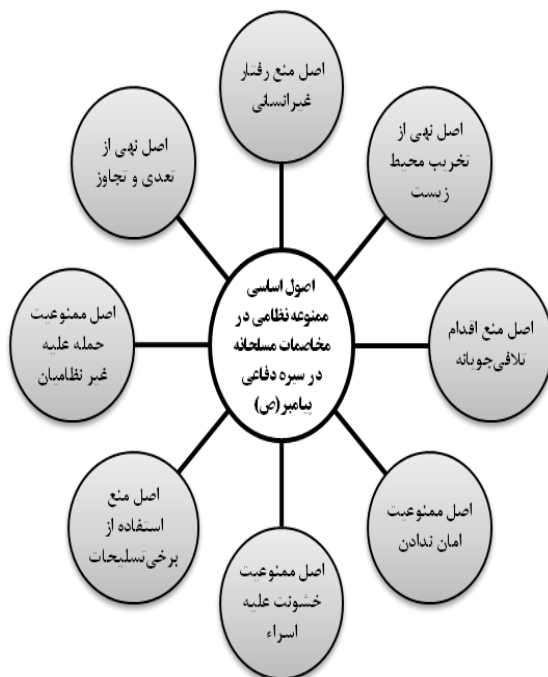
اصولاً، این نگرش و رفتار حمایت‌گرانه از افراد دشمن در مخاصمات مسلحانه، حاصل تصویری است که اسلام از انسان ترسیم می‌کند. در واقع از نظر اسلام، انسان موجودی است برگزیده خداوند (سوره طه، آیه ۱۲۲)، خلیفه و جانشین او در زمین (سوره بقره، آیه ۳۰)، مرکب از روح و جسم، دارای فطرتی خدا آشنا (سوره اعراف، آیه ۱۷۲)، مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان (سوره احزاب، آیه ۷۲ و دهر، آیه ۳)، مسلط بر طبیعت و آسمان و زمین، آشنا به خیر و شر، کمال‌پذیر، سیرکننده به سوی خدا، دارای ظرفیت علمی و عملی نامحدود، برخوردار از شرافت و کرامت ذاتی (سوره اسراء، آیه ۷۰)، شایسته بهره‌مندی از نعمت‌های خداوندی و مسئول در برابر خداوند خویش (مطهری، ب، ۱۳۷۴: ۷-۱۳). قائل شدن به چنین مقام و منزلت، مدح‌ها و ستایش‌ها برای انسان است که قرآن کریم، خطاب به لشکریان اسلام دستور می‌دهد در تمامی نبردها، ملاحظات انسانی را مورد توجه قرار داده، عدالت و عدم تعدی و تجاوز از حدود معقول انسانی را در مقابل دشمنان مورد ملاحظه قرار دهند: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓی اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی (سوره مائده، آیه ۸): و البته نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است». رعایت ملاحظات انسانی در اسلام حکایت از آن دارد که کشتار و خون‌ریزی کاسته شود و به‌جای اینکه انسانی کشته شود، هدایت

گردد. یکی از محققان در حوزه اسلام در این باره می نویسد: «اسلام در مورد طرز رفتار در مخاصمات مسلحانه، قواعدی جهانی را اعلام می کند که جهان انسانیت می تواند از آن بهره برد. در اسلام به نام عدالت و عقل هرگونه زیاده روی محکوم است؛ جنگ انتقام نیست، بلکه کوششی است از برای امحاء بی انصافی و ظلم. پس این مفهوم، به ضرورت موجب محدودیت هایی بسیار صریح در اجرای عملیات جنگی می شود. این معنی، خود از مفهوم عالی انسان به نفسه و نیز از احترامی که باید نسبت به آدمی، مخلوق خداوند، قائل شد، سرچشمه می گیرد» (بوازار، ۱۳۶۲: ۲۲۹-۲۳۰). البته برخی مقررات و قواعد ممنوعه نظامی بر اساس فرض شرایط عادی است، اما در شرایط اضطراری، یا مصلحت الزام آور و یا مواردی که تشخیص آن بر عهده امام و ولی مسلمین نهاده شده، حکم مواردی که در قالب ممنوعیت ها قرار گرفته، ممکن است به گونه ای دیگر باشد (عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۳ (ج ۶)، ص ۵۸).

اصول اساسی ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه

نگرش به سیره دفاعی پیامبر اسلام (ص) نشان می دهد که علاوه بر این که ایشان در تمامی نبردها، ملاحظات انسانی را مورد توجه قرار می دادند، بلکه هرگاه لشکری را به میدان جنگ می فرستادند، قبل از اعزام شان آن ها را به رعایت اصول انسانی در جنگ موعظه و ارشاد می نموده اند. چنانکه شیبانی در کتاب السیر الصغیر نقل می کند؛ هرگاه پیامبر (ص) سپاهی را روانه کارزار می کرد، فرمانده را به تقوای الهی و رفتار شایسته با همراهانش سفارش می فرمودند: «با نام و در راه او بجهنگید... خیانت نورزید و ناراستی نکنید و کسی را قطعه قطعه نسازید و کودکی را نکشید...» (شیبانی، ۱۹۷۵ م: ۹۳). شبیه این حدیث از امام صادق (ع) نیز نقل شده است: امام صادق (ع) فرموده است: «پیامبر (ص) هر وقت فردی را برای انجام «سریه» برمی گزید، او را ابتدا به تقوای الهی امر می فرمود، سپس از غدر [خیانت] با دشمن، آتش زدن نخها و گشودن آب بر دشمن و انداختن آتش بر کشتزارها (و هرگونه آسیب رساندن به محیط زیست) نهی می فرمودند» (وسایل الشیعه، ۱۴۰۳ ق، باب ۱۵، حدیث ۲).

اصول اساسی ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه در سیره دفاعی پیامبر اعظم (ص) که در شکل شماره ۱ آمده را می توان به شرح زیر تبیین کرد:



شکل ۱. اصول اساسی ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه در سیره دفاعی پیامبر(ص)

اصل منع رفتار غیر انسانی

اگرچه طبیعت جنگ و مخاصمه توأم با خشونت و رفتارهای ظالمانه، خلاف انسانیت و شئون بشری است. اما پیامبر اسلام(ص) به پیروان خود دستور می‌دهد در درگیری‌های مسلحانه، بایستی مراقب اعمال و رفتار خود بود. در حالی‌که خونخواهی و انتقام، غارتگری و چپاول، شکنجه و مثله کردن و بسیاری دیگر از رفتارهای غیرانسانی مرسوم در جنگ‌ها بود، آن حضرت بر جنبه‌های انسانی در نبردها بسیار تاکید می‌نمودند. زیرا که او برای همه مردم رحمت بود (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷). قرآن کریم در ذیل آیات قتال با عبارت «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۵) بر مراقبت رزمندگان اسلام از رفتارشان در جنگ صحنه می‌گذارد. یعنی تاکید دارد که ای رزمندگان، حواس‌تان باشد وقتی در منازعات مسلحانه با دشمنان مواجه شدید، احسان و نوع‌دوستی را فراموش نکنید و در حق دشمن از آن مضایقه نورزید. علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌نویسد: «رفتار نیک و انسانی داشتن و با احسان برخورد کردن با دشمنان به منزله‌ی آن نیست که دست از جهاد بکشید و دشمنان را به حال خود رها سازید، بلکه منظور از احسان و این آیه آن است که عملیات رزمی در صحنه جهاد باید به گونه‌ای انجام گیرد که شایسته هر موقعیت

باشد؛ آنجا که باید جنگید، بجنگید و آنجا که باید از جنگ دست بکشید، از خونریزی خودداری نمایند، جایی که مقاومت و شدت عمل می طلبد، مقاوم و جدی باشند، جایی که عفو و اغماض نیکو است از آن چشم پوشی نکنند و به بهترین وجهش انجام دهند» (المیزان، ج ۲، ص ۹۳).
 از مصادیق مهم رفتار انسانی می توان به منع مُثله کردن، ممنوعیت شکنجه و هر شکل دیگر از رفتار تحقیر آمیز با دشمن اشاره کرد. در زمانی که مُثله کردن افراد دشمن امری عادی و رایج بود، اسلام رسماً پیروان خود را از انجام این کار منع کرد. برای مثال هنگامی که در نبرد احد تصمیم گرفته شد که اسیران را برای مقابله به مثل، مُثله کنند، پیامبر (ص) که مشرکان عمویش حمزه را در همان زمان به نحو ددمنشانه ای مُثله کرده بودند، این دستور صریح را به مسلمانان صادر کرد که حتی یک سگ را هم مُثله نکنید (وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۹۶، حدیث ۶).

اصل نهی از تعدی و تجاوز

یکی دیگر از اصول ممنوعه نظامی در سیره دفاعی رسول خدا (ص) این است که به مسلمانان که در راه خدا می جنگیدند، امر می کرد که هرگز از حدود عدالت و انصاف خارج نشوند و گام در راه استبداد و ستمگری نگذارند؛ چرا که خداوند ستمکاران و متجاوزان را دوست ندارد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (سوره بقره، آیه ۱۹۰): و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید ولی از اندازه درنگذرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی دارد».

اینکه اسلام تعدی و تجاوز در جنگ را نفی نموده است، بدین خاطر است که اولاً؛ هدف از جنگ غلبه بر دشمن است و نه نابودی او و تخریب و ویرانی سرزمینش، ثانیاً؛ وقتی هدف نابودی او نباشد، به طریق اولی زجر و شکنجه اش نیز نایستی در دستور کار قرار گیرد. به همین دلیل است که دستور می دهد، مراقب باشید تا در جنگ ها خلاف شئون انسانی صورت نگیرد. چرا که، مخاصمه در اسلام توأم با عطف است. از این رو در اسلام جلب محبت به کشتن ترجیح داده شده است و کشتن را نیز بدون لزوم روا نمی دارد و لذا، هر مسلمانی را در همه حال مکلف به نوع دوستی نموده، و آن را جزیی از ایمان قرار داده است (سوره اسراء، آیه ۳۳).

مصادیق خارج نشدن از حدود عدالت و انصاف که در برخی از روایات و تفاسیر به آن ها اشاره شد، عبارت است از:

۱. کشتار زنان و کودکان؛

۲. کشتار افرادی که توانایی جنگ ندارند، مانند پیرمردان؛

۳. کشتار افراد بدون سلاح و افرادی که در جنگ شرکت ندارند؛
 ۴. توسعه جنگ به خارج از میدان جنگ، مانند از بین بردن اموال، حیوانات، گیاهان؛
 ۵. تعدی از قتل به مثله کردن و مانند آن؛
 ۶. کشتار فراریان پس از ظهور شکست آن؛
 ۷. کشتن مجروحان؛
 ۸. استفاده از ابزار غیر متعارف برای کشتن، مانند آلوده نمودن آب‌های مصرفی دشمن و ...
- پیامبر اکرم(ص) در پایان یکی از جنگ‌ها ملاحظه کردند که عده‌ای اجتماع نموده‌اند، شخصی را برای بررسی علت آن مأمور فرمودند. مأمور گزارش نمود که علت تجمع، کشته شدن زنی بوده است. آن حضرت در مقام توییح فرمودند: «قطعاً آن زن در حال جنگ نبوده است» (الزحیلی، ۱۴۱۲هـ ق: ۲۷۲). یا اینکه در زمان فتح مکه، هنگامی که پیامبر اسلام (ص) شنید یکی از فرماندهان فریاد برآورده است: «امروز روزی است که خون جاری خواهد شد و امروز روز انتقام است». حضرت (ص) بیرق را از دست وی گرفت و آن را به امیرالمومنین امام علی(ع) داد و امام علی(ع) نیز فرمودند: «امروز روز عفو و رحمت است». در صورتی که شعار امروز روز انتقام است، یعنی انهدام جمعی یا تهدید به انهدام جمعی دشمن و نیز سلب حق تسلیم برای دشمن، برای جامعه آن عصر که خشونت و انتقام امر رایج و عادی بود، موضوع عجیب و غریبی نبود (شهیدی، ۱۳۸۲: ۹۵).

اصل ممنوعیت حمله علیه غیر نظامیان

یکی دیگر از اصول ممنوعه در جریان درگیری‌های نظامی در سیره دفاعی پیامبر اعظم(ص)، این بود که بین نظامیان^۱ و غیرنظامیان^۲ تفکیک و تمایز به عمل می‌آورد. منظور از تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان آن است که «عملیات رزمی فقط باید نسبت به افراد نظامی و اهداف نظامی به اجرا درآمده و افراد و اهداف غیرنظامی مورد تهاجم قرار نگیرند» (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۴: ۱۵۴). اگرچه تاریخ گواه آن است که این نکته مهم، همانند بسیاری از دیگر رفتارهای انسانی در اغلب جنگ‌ها نقض شده است (Delupis, ۱۹۸۷, p. ۱۴۱)؛ اما آموزه‌های اسلامی در جنگ‌ها است که اشخاص و افرادی که در جنگ و نبرد شرکت ندارند؛ یعنی افراد غیرنظامی از مصونیت برخوردارند و خواهان امنیت و سلامتی برای آنان است. از این رو، درگیری را فقط بین نیروهای

۱- Combatants

۲- Non Combatants

مسلح طرفین متخاصم مجاز می‌داند، چنانکه فرموده است: «در راه خدا قتال کنید، با کسانی که با شما می‌جنگند» (سوره بقره، آیه ۱۹۰). صاحب المیزان در این باره می‌گوید: قتال این است که انسان در مقام کشتن کسی که قصد قتل او را دارد، برآید و طبعاً هدف از آن تسلط بر مال و عرض انسان‌های دیگر نیست (المیزان، ج ۲: ۸۸). مفهوم این سخن آن است که اسلام عملیات جنگی را صرفاً علیه نیروهای مسلح و اهداف راهبردی دشمن مجاز می‌داند و افراد و جمعیت غیرنظامی از خطر مخاصمات مسلحانه مصون هستند، البته مشروط بر این که به‌طور مستقیم در عملیات شرکت نداشته باشند و اگر به‌طور مستقیم در عملیات شرکت داشته باشند، نظامی تلقی می‌شوند (جواهر الکلام، ۱۳۶۸: ۷۳-۷۵). بنابراین اسلام، علاوه بر ممنوع دانستن حمله علیه جمعیت غیرنظامی، تمایز قائل شدن بین اهداف نظامی و غیرنظامی را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد. به همین دلیل، هر رزمنده مسلمان متعهد است که در هر حال فقط رزمنده متخاصم را مورد هدف قرار دهد، چنان‌که این امر در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) به این شرح تأیید شده است که در یکی از جنگ‌ها «پاره‌ای از مسلمانان به تاسی از دشمنان خود، تعدادی کودک را به قتل رساندند. پیامبر (ص) به خشم درآمده و فرمودند: چرا عده‌ای امروز آن قدر ستیزه‌جو هستند که به قتل صغار (کودکان) دست می‌زنند؟» (مسند احمد، ج ۳: ۴۳۵).

در مخاصمات مسلحانه، هر رزمنده‌ای با دو تکلیف مواجه است: اول آن‌که رزمنده را از غیررزمنده تمیز دهد و فقط اولی را هدف قرار دهد و دوم این که موضع نظامی را از غیرنظامی تمیز بدهد و در این مورد نیز هدف او حمله به موضع اول باشد. هر رزمنده مسلمان متعهد است که در هر حال فقط رزمنده متخاصم را هدف قرار دهد (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۸۹). به دیگر سخن، در زمان جنگ، مسلمانان با دو گروه از دشمنان متمایز مواجه می‌باشند، گروه اول افراد نظامی (رزمنده) و کسانی که مستقیماً و به‌گونه‌ای فعال و مؤثر در عملیات جنگی و یا پیشبرد جنگ به نفع دشمن مشارکت دارند، هرچند هم سلاح در دست نداشته باشند و گروه دوم؛ افرادی که به هیچ وجه دخالتی در جنگ ندارند و از اعمال خصمانه جنگی خودداری می‌کنند، به لحاظ این‌که در جنگ شرکت ندارند، غیررزمنده محسوب شده و حقوق آنان محترم شمرده می‌شود (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳ (ج ۵): ۲۳۰).

فقیهان اسلامی، اعم از شیعه و سنی یک قاعده کلی و جامع فقهی تاسیس کرده‌اند که بر اساس این قاعده فقهی، جز کسانی که در جنگ مشارکت نموده‌اند کسی در جنگ کشته نمی‌شود (عمید زنجانی ۱۳۸۳ (ج ۵): ۱۷۹). این قاعده فقهی نشان می‌دهد که فقیهان اسلامی، اصل حمایت از افراد

غیرنظامی را به اجماع و اتفاق مورد تاکید قرار داده‌اند به طوری که صاحب جواهر در این باره می‌گوید کسی از فقیهان را سراغ ندارم که با این مساله مخالف باشد (جواهر الکلام، ج ۲۱: ۷۳). در واقع، نهی از کشتن غیرنظامیان یا ممنوعیت جنگ با غیرجنگجویان، تاکید بر مصونیت آدمی و بقا و محفوظ ماندن آنان است. چون خداوند نابودی آفریدگان را اراده نکرده و آنان را برای کشته شدن نیافریده است و تنها در صورتی که زبانی به بار آورند، کشتن آنان را مباح گردانیده است. این کشتن، کیفر آن‌ها نیست، زیرا سرای دنیا، سرای مجازات نیست، بلکه جای مجازات، آخرت است. این موضوع یکی از موارد مورد اتفاق همه ادیان آسمانی بوده و از اصول کلی و مشترک میان همه آنان به شمار می‌رود. آنچه موجب مباح شدن قتل دشمن پیکارجو می‌گردد. جنگجویی اوست؛ که باید خطرش را دفع کرد. بنابراین کسی که نمی‌جنگد، بر اصل مصونیت نخستین باقی می‌ماند و به طورکل خون او مصون است (الزحیلی، ۲۰۰۵: ۴۵۱). در صدر اسلام نیز مسلمانان جز با کسانی که با آن‌ها سرجنگ داشته‌اند، نجنگیده‌اند.

افرادی که وضعیت آن‌ها با افراد رزمنده و جنگجو متفاوت بوده و غیررزمنده به شمار می‌آیند و در روایات از جنگیدن با آن‌ها نهی شده^۱ و بایستی مورد حمایت قرار گیرند، عبارتند از: اطفال و زنان (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۴۸). از ابن عمر نقل شده است که گفت: در یکی از جنگ‌ها، پیامبر(ص) زنی را کشته دیدند، آنگاه آن حضرت، از کشتن زنان و کودکان نهی کرد (سنن ابن ماجه، ج ۲: ۱۰۱)؛ پیرمردها یا سالخورده‌گان (جواهر الکلام، ج ۲۱: ۷۴). علت ممنوعیت کشتن آن‌ها، نهی پیامبر(ص) از قتل آن‌ها است (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۴۸)؛ بیماران و نابینایان و امثال آن‌ها (جواهر الکلام، ج ۲۱: ۷۶). زیرا که این گروه به علت ناتوانی جسمی به طور طبیعی در دسته رزمندگان قرار نمی‌گیرند و به دلیل عام منع کشتن غیر مقاتلین یعنی کسانی که در پیکار دخالت ندارند، شامل آن‌ها نیز می‌شود. روحانیان و افرادی که به عبادت اشتغال دارند نیز از تعرض در امان هستند (جواهر الکلام، ج ۲۱: ۷۶ و ۷۷).

فقیهان درباره نامبردگان فوق‌الذکر، در مواردی کشتن آنان را جایز دانسته‌اند که به اختصار در سه صورت زیر توضیح داده می‌شود:

اول ضرورت: مراد از ضرورت این است که مقاتلین، نامبردگان را سپر قرار دهند- که از آن به

۱ - درعصر پیامبر(ص) چون تمامی مردان قبیله در جنگ شرکت می‌کردند، همه آن‌ها رزمنده تلقی می‌شدند، و غیر رزمندگان فقط زنان و کودکان را شامل می‌شد. اما امروزه جریان به این گونه نیست، بلکه دایره غیر رزمندگان شامل بسیاری از مردان نیز می‌شود.

«تترُس»^۱ تعبیر می شود- یا فتح و غلبه برکشتن آنها متوقف باشد (جواهر الکلام، ج ۲۱: ۷۴).
دوم جنگ برضد مسلمانان: اگر هر یک از افراد مذکور، سلاح به دست گرفته، بر ضدمسلمانان
بجنگند، حرمت کشتنشان برداشته می شود. البته فقهای شیعه در مورد جواز کشتن زنان در جنگ
حتی در صورتی که در جبهه شرکت کرده و رزمندگان خود را یاری بدهند و علیه مسلمانان وارد
عملیات شوند تردید کرده و بسیاری به صراحت آن را رد کرده اند (جواهر الکلام، ج ۲۱: ۷۳).
چنانکه در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که پیامبر(ص) فرمود: «حتی اگر زنی در جنگ
شرکت کند تو از کشتن وی، تا می توانی چشم پوشی کن» (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۴۸).
سوم داشتن رای و تدبیر جنگی: فقیهان تصریح کرده اند که کشتن پیرمردان، نابینایان، بیماران،
راهبان و صومعه نشینان (روحانیان)، آنگاه که مشارکت در جنگ داشته و دارای رای و تدبیر جنگی
باشند، جایز است. زیرا «دُرید بن صمّه» - با این که صدوپنجاه ساله بود- در جنگ حنین به
دست مسلمانان کشته شد و پیامبر(ص) هم بر آنان خرده نگرفت. مشرکان او را به دلیل آشنایی اش
با جنگ در قفسه ای آهنین حمل می کردند تا به آنان چگونه جنگیدن را بیاموزد (جواهر الکلام،
ج ۲۱: ۷۵؛ ابن قدامه، المغنی، ج ۸: ۴۷۸)؛ (تقی زاده اکبری، ۱۳۸۶: ۲۰۲-۲۰۱).

فتح مکه که با تدابیر شخص پیامبر(ص) بدون خونریزی در سال هشتم هجری انجام گرفت؛
هنگامی که لشکر اسلام وارد شهر مکه شدند، لشکریان اسلام هیچ مورد از اهداف غیرنظامی را
آسیب نرساندند و به سالمندان، زنان، اطفال، شهرها، زراعت، اموال، دامها و محیطزیست متعرض
نشدند؛ حتی هند (از دشمنان سرسخت اسلام و تحریک کننده جنگ و خونریزی، کسی که در
غزوه احد با بی رحمی پهلوی حمزه عموی پیامبر(ص) را شکافت و جگر او را در آورد و آن را
با دندان خود دونیم کرد) زنده اسیرش کردند، پیامبر او را بخشید و آزادش کرد. آنگاه پیامبر در
سخنرانی عمومی به اهل مکه فرمود: «إِذْهَبُوا فَأَنْتُمْ الطُّلُقَاءُ»؛ بروید همه شما آزادید (سبحانی،
۱۳۷۴: ۳۰۹-۳۵۰).

اصل منع استفاده از برخی تسلیحات

جنگ، قبل از ظهور اسلام جنگ بی رحمانه و وحشیانه بود؛ زیرا هر یک از طرفین تخاصم تلاش
داشته است به هر نحو ممکن و با استفاده از هر گونه ابزار و روش جنگی بر دیگری غلبه پیدا

۱ - یکی از نیرنگ هایی که ممکن است دشمن در خلال رویارویی بدان توسل جوید، سوء استفاده از موقعیت
مصونیت یافتگان است که از آن به تترُس تعبیر می شود. ممکن است دشمن آنها را به من ظور جل و گویری از خ طر
شکست یا تدارک موقعیت های مناسب تر، سپر خود قرار دهد (محقق داماد، ۱۳۸۳، ۱۲۵).

کند. چون هدف پیروزی و نابودی دشمن بود. اما اسلام، بر این ایده خط بطلان کشید و چارچوب انسان دوستانه‌ای را برای صحنه نبرد طراحی کرد. به تعبیر یکی از محققین، اسلام به‌منظور احترام به مقام، منزلت و کرامت انسانی جنگجویان و غیرجنگجویان عنصر انسانی و معنوی را وارد جنگ نمود (ابوالوفاء، ۱۴۲۱: ۱۶۸). از جمله عنصر انسانی و معنوی در صحنه نبرد، آزاد نبودن لشکریان در انتخاب هرگونه سلاح است. زیرا دسته‌ای از ابزارهای جنگی هستند که استفاده از آن‌ها در میدان نبرد باعث می‌شود تنها رزمنده را از صحنه نبرد خارج نکنند، بلکه موجب مرگ او همراه با درد و رنج بیهوده شود. بر این اساس اسلام به‌کارگیری این قبیل سلاح‌ها را ممنوع کرده است. برای نمونه می‌توان از ممنوعیت کاربرد نیزه‌های سمی که معرف سنخ ابزار نظامی آن عصر بود، نام برد. زیرا چنان نیزه‌هایی رنج و جراحت غیر موجهی بر قربانی وارد می‌کردند (Mohagegh Damad, ۲۰۰۵, PP. ۳۹۹-۴۰۰). در آن عصر استفاده از سم و سلاح سمی امری رایج بوده است که متخصصین به‌منظور به زانو درآوردن طرف مقابل از آن استفاده می‌کردند. زیرا که «اثر اولیه سم و سلاح سمی مسمومیت و خفگی است، لذا آلوده کردن سلاح‌ها با سم باعث مرگ تدریجی توأم با رنج قربانی شده و حتی مانع بهبودی جراحت ناشی از تیرهای آلوده می‌شد» (Henckaerts and Doswald-Beck, ۲۰۰۵, P. ۲۵۳). صاحب جواهر روایتی از امام علی (ع) نقل نموده که فرمود: «ان رسول الله (ص) نهی ان یلقى السم فی بلاد المشرکین» (جواهر الکلام، ج ۲۱: ۶۷). پیامبر (ص) از این که در سرزمین مشرکان سم پاشیده شود، نهی فرمود. نتیجه این سخن آن است که پیامبر اسلام رزمنده مسلمان را در حق انتخاب سلاح آزاد نگذاشته و از کاربرد سلاح‌هایی که درد و رنج بیهوده و غیر لازم ایجاد می‌کنند، منع نموده است. علاوه بر آنکه، در راستای قاعده کلی اسلامی که به موجب آن، افراط در کشتار، حتی اگر موجه هم باشد (سوره اسراء، آیه ۳۳) منع شده است (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۸۵)؛ می‌توان برداشت نمود که کاربرد این‌گونه تسلیحات چون مرگ تدریجی و توأم با شکنجه را همراه دارد با منطق اسلام ناسازگار است و ممنوع می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۳ (ج ۶): ۳۶۹).

اصل ممنوعیت خشونت علیه اسرا

اسرا همان مردان جنگجویی هستند از بیگانگان و دشمنان دینی که به هنگام جنگ، مسلمانان موفق به دستگیری و به بند کشیدن آن‌ها می‌شوند (ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۵۴۴). به تعبیر دیگر، هر فرد مسلحی که در اقدامات مسلحانه دشمن مشارکت دارد، از نظر فقهی محارب محسوب می‌شود و به‌موقع دستگیری یا تسلیم و یا فرار که به دست رزمندگان اسلام می‌افتد، اسیر نامیده می‌شود

(عمید زنجانی، ۱۳۸۳ (ج ۶): ۱۹۰).

اسلام قواعد و مقرراتی نوینی را برای اسیران جنگی از جمله پوشاندن و اطعام (سوره انسان، آیه ۹)، حسن برخورد (بحار الانوار، ج ۱۰۰: ۳۹۹)، آزادسازی از روی عطوفت و رأفت (سوره انفال، آیه ۷۰) و رعایت شخصیت انسانی و منع شکنجه وضع و اجرا نموده است. زیرا اسیر، با زمین گذاردن سلاح و تسلیم شدن، یعنی در کسوت اسارت درآمدن، انسانی بی‌پناه و نیازمند به حمایت است که حقوق انسانی او بایستی رعایت شود.

بعد از فتح مکه در سال هشتم هجری، در نبرد حُنَین که پیامبر (ص) با قبیله قدرتمند هوازن مواجه شد، پس از شکست آنان، تعداد شش هزار نفر از آن‌ها، اعم از مردان، زنان و کودکان به اسارت در آمده و غنایم جنگی بسیاری جمع شده بود. با توجه به حسن خلق، محبت و بزرگواری رسول خدا (ص)، تعدادی از سران هوازن که مسلمان شده بودند، نزد رسول خدا (ص) آمدند و تقاضای آزادی اسیران قوم خویش را کردند. پیامبر اکرم (ص) که در عمق جان با این اندیشه موافق بود، فرمود: آنچه از افراد شما در سهم من و فرزندان عبدالمطلب است من به شما می‌بخشم ولی در مورد سهم رزمندگان، بدون موافقت خود آنان نمی‌توانم تصمیم بگیرم، بنابراین شما به هنگام نماز پس از اقامه جماعت برخیزید و در جمع مسلمانان تقاضای خود را مطرح نمایید و من در این جمع پیش‌قدم می‌شوم و سهم خودم را می‌بخشم و امیدوارم دیگران نیز از من پیروی کنند و سهم خودشان را ببخشند. اتفاقاً همین‌گونه شد و موقعی که پیامبر (ص) فرمود: من سهم خود و بنی‌عبدالمطلب را می‌بخشم، مسلمانان اعم از مهاجران و انصار عمل پیامبر را تأیید نمودند، از این‌رو، نخست مهاجرین و سپس انصار تمام حق خود را به رسول اکرم (ص) بخشیدند و در نتیجه به اتفاق، اسرای جنگ حنین را آزاد نمودند (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۵۶: ۴۲۵).

اصل ممنوعیت امان ندادن

یکی دیگر از اعمالی که در زمان جنگ، رزمندگان اسلام از دست‌زدن به آن منع شدند، نادیده گرفتن اعطای امان به افراد دشمن یا پناه ندادن در بحبویه جنگ است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (سوره توبه، آیه ۶): هرگاه یکی از مشرکان از تو پناه خواست او را پناه ده تا سخن خدا را بشنود و آنگاه او را به جای امن که می‌خواهد برسان. صاحب‌المیزان می‌گوید: «آیه شریفه اشاره به امان دادن دشمنان دارد. زیرا که تمام احکام و تعالیم اسلام، حتی دستورات جنگی آن در باره هدایت مردم است و مقصود آن‌ها این است که مردم را از راه ضلالت به سوی رشد و هدایت برگردانیده و از بدبختی و نکبت شرک به

سوی سعادت توحید بکشاند. لازمه این منظور آن است که کمال اهتمام را در رسیدن به آن هدف مبذول داشته و برای هدایت یک گمراه و احیای یک حق، هر چند هم ناچیز باشد، از هر راهی که امید می‌رود به هدف برسد، استفاده شود... به همین جهت است که خدای متعال دستور فرمودند: اگر بعضی از این مشرکین که خون‌شان را هدر کردیم، از تو خواستند تا ایشان را در پناه خود امان دهی تا بتوانند نزدت حاضر شده و در امر دعوت با تو گفتگو کنند، ایشان را پناه ده تا کلام خدا را که متضمن دعوت تو است بشوند و پرده جهل‌شان پاره شود و این معنا را به ایشان ابلاغ کن تا از ناحیه تو ایمنی کاملی یافته و با خاطر آسوده نزدت حاضر شوند... این دستور از ناحیه قرآن نهایت درجه رعایت اصل کرامت و گسترش رحمت، شرافت و انسانیت است (تفسیرالمیزان، ج ۹: ۲۰۶-۲۰۵). در حدیث نبوی است: «مسلمانان خون‌شان یکسان و برابر است و یک دست در برابر دشمن ایستادگی می‌کنند و از امانی که کمترین شان می‌دهد همگی حمایت می‌کنند» (اصول کافی، ج ۱: ۳۳۲).

در اصطلاح فقهی امان به معنی التزام به تأمین امنیت همه‌جانبه شخص یا گروه و یا مردم یک شهر یا یک کشور است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳ (ج ۶): ۴۶). هدف از قرارداد امان در زمان جنگ تأمین امنیت و حمایت از افراد دشمن، بدون تعرض به حقوق جانی، مالی و عرضی آن‌ها می‌باشد (همان: ۴۷) که اسلام آن را جزء برنامه‌های حیات‌بخش خود در زمان مخاصمات مسلحانه قرار داده است. امان دادن پیامبر اسلام (ص) در فتح مکه به اهالی مکه در سال هشتم هجری بهترین نمونه در اعطای امان در سیره رسول خدا (ص) است. به این نحو که فرمودند: «هرکس به خانه رود و در را به روی خود ببندد در امان است. هرکس به خانه ابوسفیان پناهنده شود در امان است. هرکس به مسجدالحرام برود در امان است» (سیره ابن هشام، ج ۲: ۴۰۳).

اصل منع اقدام تلافی‌جویانه

اقدامات تلافی‌جویانه^۱ یا انتقام‌جویانه، یکی دیگر از روش‌های ممنوعه در جنگ است که اسلام آن را غیرمشروع و غیرمجاز دانسته است؛ زیرا که اقدام تلافی‌جویانه بر خلاف مقابله به مثل که یک عمل قانونی است، اقدامی غیرقانونی می‌باشد. چون اقدامات غیرمشروع و تجاوزکارانه دشمنان را نمی‌توان با همان اقدامات تلافی‌کرد و اسلام، مسلمانان را از دست‌زدن به اعمالی که در آن موازین تقوا رعایت نشود، یعنی اعمال خلافی که دشمنان به آن کار اقدام می‌کنند، برحذر داشته است (سوره مائده، آیه ۸ و نیز آیه ۲). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ

^۱ - Reprisals

مَا غَوَيْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ* وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (سوره نحل، آیات ۱۲۷-۱۲۶): اگر عقوبت می‌کنید؛ نظیر آن عقوبت که دیده‌اید، [متجاوز را] عقوبت کنید و اگر صبوری کنید، همان برای صابران بهتر است. صبور باش که صبر کردن تو جز به تأیید خدا نیست غم آن‌ها را مخور و از آن نیرنگ‌ها که می‌کنند تنگ دل مباش. صاحب‌المیزان در این خصوص می‌گوید: معنای آیه اول این است که اگر خواستید کفار را به خاطر این‌که شما را عقاب کرده‌اند، عقاب کنید، رعایت انصاف را بکنید و آن‌گونه که آن‌ها شما را عقاب کرده‌اند، عقاب‌شان کنید نه بیشتر و در معنای جمله «وَلَكِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» این است که اگر به تلخی عقاب کفار بسازید و در مقام تلافی بر نیائید برای شما بهتر است، چون این صبر شما در حقیقت ایثار رضای خدا و اجر و ثواب او بر رضای خودتان و تشفی قلب خودتان است، در نتیجه عمل شما خالص برای وجه کریم خدا خواهد بود (المیزان، ج ۱۲: ۵۳۸).

بر مبنای چنین فرمان الهی بود که وقتی دشمنان اسلام در جنگ احد، حمزه عموی پیامبر(ص) را کشتند و با قساوت قلب بدن او را مثله کردند، با این‌که مثله کردن دشمن در آن زمان امری عادی و رایج بود، پیامبر(ص) دست به چنین عمل تلافی جویانه نزد، بلکه در برابر این واقعه صبر کرد و مثله کردن را ممنوع نمودند (المیزان، ج ۱۲: ۵۳۹). این چنین بود که امام علی(ع) خطاب به فرزندان بزرگوارشان امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به نقل از پیامبر(ص) فرمودند: «از مثله کردن پرهیزید هر چند درباره سگ گزنده باشد» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). بنابراین، رزمندگان اسلام که از احکام اسلامی تبعیت می‌کنند، هرگز به اقدامات تلافی جویانه که در واقع توجیه آن نوع اقدامات از سوی دشمن است، متوسل نخواهند شد.

اصل نهی از تخریب محیط زیست

نابودی تمام عیار محیط‌زیست^۱ یکی از نتایج دیرینه جنگ و شاید پیامد گریزناپذیر جنگ است. نگاهی گذرا به تاریخ جنگ‌ها، این موضوع را نشان می‌دهد که متأسفانه طرفین مناقشات به‌منظور کاستن توان رزمی و به زانو در آوردن دشمن به دفعات مکرر، اقدام به ضایع کردن مواد غذایی، تخریب کشتزارها و تاسیسات آب‌سانی و نابود کردن احشام نموده‌اند. آسیب و خسارت زیست‌محیطی در طول مخاصمات مسلحانه، نه تنها بر سلامت و حیات بشر و تمام موجودات فعلی زیان‌بار است، بلکه برای انسان‌ها و موجوداتی که در آینده نیز حیات خواهند یافت، تهدید کننده و خطر جدی محسوب می‌شود (Alexander Kiss and Dinah Shelton, ۲۰۰۴: ۷۳۳).

وقتی پیشنهاد حمایت از محیط‌زیست در جنگ‌ها در عرصه جهانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، ملاحظه می‌شود که سابقه استفاده از کلمه محیط‌زیست تا قبل از تصویب پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، در سایر اسناد مربوط به حقوق بشردوستانه نظیر کنوانسیون‌های لاهه و ژنو چندان به چشم نمی‌خورد. این کنوانسیون‌ها، هیچ‌گونه حمایت مستقیم و خاصی از محیط‌زیست در جریان مخاصمات مسلحانه انجام نداده‌اند. تنها بعد از تصویب پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون ژنو بود که حمایت ویژه از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه وارد مرحله نوین و جدی‌تر شد (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۴۵). اما وقتی به متقن‌ترین منبع اسلام، یعنی قرآن کریم مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که اسلام چهارده قرن قبل از صدور اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های زیست‌محیطی، دستورات جامعی را در حمایت و حفاظت از محیط‌زیست صادر نموده و پیامبر اسلام (ص) آن را به بهترین وجه به مورد اجرا در آورده است. چنان‌که در یکی از آیات آمده است کسی که بدون نیاز و ضرورت اقدام به تخریب یا نابودی محیط‌زیست نماید از جمله مفسدان خواهد بود: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُجِبُ الْفَسَادَ» (سوره بقره، آیه ۲۰۵: و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد).

صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «حرث» به معنی زراعت و «نسل» به معنی اولاد است و بر اولاد انسان و غیرانسان اطلاق می‌شود. بنابراین هلاک کردن حرث و نسل به معنی از میان بردن هرگونه موجود زنده است، اعم از موجودات زنده نباتی، یا حیوانی و انسانی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۵-۷۴). صاحب تفسیر المیزان می‌گوید: از ظاهر عبارت «وَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» بر می‌آید که می‌خواهد جمله قبلی یعنی فساد در زمین را بیان کند و بفرماید فساد و افسادش به این است که حرث و نسل را نابود کند و اگر نابود کردن حرث و نسل را بیان فساد قرار داده برای این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است، اگر غذا نخورد می‌میرد و اگر تولید و مثل نکند، نسلش قطع می‌شود و انسان در تأمین غذایش به حرث یعنی زراعت نیازمند است، چون غذای او یا حیوانی است و یا نباتی و حیوان هم در زندگی و نموش به نبات نیازمند است، پس حرث که همان نبات باشد، اصل در زندگی بشر است و بدین جهت فساد در زمین را با اهلک حرث و نسل بیان کرد، پس معنای این آیه این شد: که او از راه نابود کردن حرث و نسل در زمین فساد می‌انگیزد و در نابودی انسان می‌کوشد (المیزان، ج ۲: ۱۴۴). بر همین مبنا است که رسول خدا (ص) خطاب به لشکریان اسلام، نهی از سوزاندن نخل‌ها و به‌طور مطلق آتش زدن به باغات،

کشتزارها، مزارع و محصولات کشاورزی را مورد تاکید قرار داده و فرمودند: «لا تحرقوا النخل و لا تغرقوه بالماء و لا تقطعوا الشجره المثمره و لا تحرقوا ذرعاً» (اصول کافی، ج ۵، ص ۲۹): نخلها را نسوزانید، با آب غرقشان نکنید، درختان ثمردار را قطع نکنید و مزارع را آتش نزنید».

نتیجه گیری و پیشنهاد

نتیجه گیری

اسلام اصل وجود و ضرورت قواعد و مقرراتی که انسان را از عوارض درد و رنج بیهوده، لطمات و آسیب‌های جنگ مصون بدارد و از شعله‌ور شدن آتش جنگ پیشگیری نموده تا قربانیان جنگ، نیروها، مراکز و اماکن امدادی در امان بمانند، مسلم دانسته است. این قواعد و مقررات به اعتبار کرامت ذاتی که خداوند متعال به انسان عطا کرد و به اعتبار درک فطری و وجدانی که انسان در رعایت این قواعد در حق خود دارد، لازم، ضروری و واجب می‌باشند. از این جهت، اسلام با تأیید این قواعد و مقررات به آن‌ها پشتوانه دینی و شرعی داده و رعایت آن‌ها را به‌عنوان وظیفه و تکلیف شرعی درآورده و دستورات لازم را در این رابطه به پیروان خود ارائه نموده است.

پیامبر(ص) با رفتار مهربانانه از افراد دشمن، خارج نشدن از حدود انصاف، تفکیک بین افراد نظامی و غیرنظامی، عدم اقدام تلافی جویانه، مدارا با اسیران، مداوای مجروحان دشمن و حمایت از محیط‌زیست، انسانی‌ترین روش‌ها را در جنگ‌ها به‌کار گرفتند تا از هر نوع عمل غیرانسانی و انتقام‌گیری جلوگیری شود؛ چرا که در نظر آن حضرت، همه موجودات بشری به صرف انسان بودن و فارغ از هرگونه تمایز، دارای حقوق و از حیثیت ذاتی برخوردارند، لذا ایشان نیروهای دشمن را نیز از آن جهت که انسان هستند، به دیده رحمت و محبت می‌نگریست و آن‌ها را به مانند سایر انسان‌ها برخوردار از چنین حقوقی می‌دانسته‌اند. بی‌شک رعایت این قواعد انسانی در زمان جنگ از سوی رسول خدا(ص) و رفتار مهربانانه و حمایت‌گرانه از افراد دشمن، دلالت بر ارتقای قدرت نرم‌افزاری مسلمانان بود تا از این طریق بتوانند دین مبین اسلام را بسط و گسترش دهند. زیرا هدف پیامبر اکرم(ص) در نبرد موضوع هدایت بود و جنگ با کفار مقصود اصلی نبوده است. از این‌رو آن حضرت در تمامی جنگ‌ها تنها به ابزار و وسایل سخت تکیه نکردند، بلکه از طریق قدرت نرم نیز برای هدایت انسان‌ها و گسترش اسلام بهره‌برداری نمودند تا صلح و امنیت در جامعه بشری برقرار شود. این رویکرد در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی نیز وجود دارد، چنانکه در هشت سال دفاع مقدس امام خمینی(ره) که فرماندهی هشت سال دفاع مقدس را

برعهده داشته‌اند، بر مبنای احکام و مقررات اسلام، به شدت به این قواعد و مقررات پایبند بوده و با وجود نقض این دسته از مقررات از سوی ارتش بعثی عراق، هرگز اجازه ندادند رزمندگان اسلام آن را نادیده بگیرند. چنانکه فرمودند: «فرق ارتش ما و ارتش آن‌ها این است که ارتش ما دستش بسته است. ارتش ما اسلام برایش تکلیف معین کرده. ارتش آن‌ها دست‌شان باز است. توپ، موشک زمین به زمین به اصطلاح خودشان می‌اندازند، نه متری، ده متری، یک شهر هم همه‌اش را خراب کنند، آن وقت تبریک می‌شنوند. ارتش ما نمی‌کند این کار را، نمی‌تواند این کار را بکند و نخواهد کرد. ارتش ما فقط موارد جنگی آن‌ها و اشخاصی که مخالف اسلام و قیام بر ضداسلام کردند، می‌کوبد و خواهد کوبید» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۹۸).

پیشنهاد

۱. تهیه و تدوین کتاب و مقالات در رابطه با جهاد و شیوه رفتاری پیامبر اسلام در عرصه نبرد به زبان‌های رایج دنیا توسط اساتید حوزه و دانشگاه، به‌منظور شناساندن اهداف و ماهیت جهاد؛
۲. قاعده‌سازی سیره عملی پیامبر(ص) در جنگ در زمینه حقوق بشردوستانه اسلامی؛
۳. برگزاری همایش‌هایی با ادیان الهی و غیرالهی و ملت‌ها به‌منظور شناساندن و تبیین قواعد و مقررات بشردوستانه در اسلام؛
۴. استفاده از شبکه‌های گسترده ارتباطات بین‌المللی اعم از تلویزیون، فیلم، اینترنت، ماهواره به‌منظور نشان‌دادن صحنه‌های رقت‌انگیز کاربرد سلاح‌ها و روش‌های ممنوعه در جنگ در اقصی نقاط دنیا در جهت تهییج افکار عمومی و نیز بیدار ساختن حس بشردوستی صاحبان سلاح‌های مخوف با هدف وا داشتن آن‌ها به عدم‌تولید، گسترش و نیز امحای تسلیحات ممنوعه.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- قرآن کریم
- ابراهیمی، محمد (۱۳۷۲). اسلام و حقوق بین‌الملل و عمومی، قم: سمت.
- ابراهیمی، محمد (۱۳۸۶). نگاهی تطبیقی به حقوق اسیران در حقوق بین‌الملل و اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، تهران: کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
- احمدبن، ابی‌یعقوب (۱۳۵۶). تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- احمدی‌میانجی، علی (۱۳۸۸). حقوق مخاصمات مسلحانه در اسلام، ترجمه محمد احمدی میانجی، تهران: انتشارات دادگستر.
- اشراق، محمدکریم (۱۳۶۸). تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- الزحیلی، وهبه (۲۰۰۵)، «اسلام و حقوق بشردوستانه»، مجله بین‌المللی صلیب‌سرخ، شماره ۸۵۸.
- بوازار، مارسل‌آ (۱۳۶۲). انسان‌دوستی در اسلام، ترجمه محمدحسن مهدوی‌اردبیلی و غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات طوس.
- تقی‌زاده اکبری، علی (۱۳۸۶). قوانین و مقررات جنگ و صلح در اسلام، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- جعفری، سیداصغر (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی قواعد حاکم بر ممنوعیت برخی از تسلیحات در کنوانسیون‌های بشردوستانه و اسلام، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- جعفری، سیداصغر (۱۳۹۴). تحلیل ابزارها و روش‌های ممنوعه در جنگ از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جمعی از محققان (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دونان، هانری (۱۳۸۸). خاطرات سولفرینو، ترجمه محمدابراهیم توکلی کارشک، چاپ دوم، تهران: نشر آژند.
- راجرز، آنتونی؛ پ. و. پل مالرب (۱۳۸۲). قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- سبحانی، جعفر (۱۳۷۴). فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم (ص)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سلطانی، محمدجواد (۱۳۹۶). نگاهی به دفاع مشروع از دیدگاه فقه شیعه با تأکید بر نظریه حضرت امام (ره)، تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۶). نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۲). تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰). حقوق جنگ (حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه)، کتاب ضمیمه، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵). اسلام و حقوق بین‌الملل، چ هشتم، تهران: گنج دانش.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا). تفسیر میزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عبدالمحمدی، حسین (۱۳۸۹). در آمدی بر سیره اهل بیت (ع)، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- عمید، حسن (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). فقه سیاسی (اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه)، ج ۶، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). فقه سیاسی (حقوق و قواعد مخاصمات مسلحانه در حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین‌الملل اسلام)، ج ۵، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). اصول کافی، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- کنعانی، محمدطاهر و همکاران (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت افراد در درگیرهای مسلحانه، تهران: دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمعیت هلال احمر.
- لطفی، عبدالرضا و همکاران (۱۳۸۸). حقوق بشردوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی (ج ۲)، تهران: انتشارات هستی نما.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشردوستانه بین‌المللی رهیافت اسلامی، تهران: مرکز

نشر علوم اسلامی.

- مصفا، نسرین و همکاران (۱۳۶۵). مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). سیری در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان در قرآن)، ج چهارم، تهران: انتشارات صدرا.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل بشردوستانه (مخاصمات مسلحانه داخلی)، تهران: انتشارات میزان.

- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۸). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- حیدری، حمید (۱۳۷۶). توسل به زور در روابط بین‌الملل از دیدگاه حقوق بین‌الملل عمومی و فقه شیعه، تهران: انتشارات اطلاعات.

(ب) منابع عربی

- ابوالوفاء، احمد (۱۴۲۱ هـ.ق)، الاعلام بقواعد القانون الدولی الدولیه و العلاقات الدولیه فی شریعه الاسلام، الجزء العاشر، قاهره: دارالنهضة العربیه.

- ابن حنبل (۱۳۱۳ هـ.ق). المسند، قاهره: مکتبه عیسی البابی الحلبی.

- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۸ هـ.ق). لسان العرب، ج ۷، بیروت: داراحیا التراث العربی

- ابن هشام، محمد (۱۴۲۱ هـ.ق). سیره النبویه، به اهتمام مصطفی سقاء و همکاران، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی

- حرعاملی، محمدبن الحسن (۱۴۱۲ هـ.ق). الوسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

- راغب اصفهانی (بی تا). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالمعرفه.

- زحیلی، وهبه (۱۴۱۲ هـ.ق). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق: دارالفکر.

- شیبانی، محمدبن حسن (۱۹۷۵ م.). السیر الصغیر، بیروت: الدار المتحدہ للنشر.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ.ق). بحار الانوار، بیروت: موسسه دار احیاء التراث العربی.

ج) منابع انگلیسی

- Alexander Kiss and Dinah Shelton(۲۰۰۴). International Environmental Law, (Third Edition), New York, Transnational Publishers , Inc.
- Bledsoe, Robert L. and Boczek, Boleslaw A(۱۹۸۷). The International Law Dictionary, ABC-CLIO, Santa Barbara California, Oxford, England.
- Dinstein, Yoram(۲۰۰۴). The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict, Cambridge, University Press.
- Delupis, I.D.(۱۹۸۷). The Law of War, Cambridge: Cambridge Univ. press.
- Fleck, Dieter(۲۰۰۹), the Handbook of International Humanitarian Law, Oxford University press.
- Henckaerts, Jean- Marie and Doswald-Beck, Louise(۲۰۰۵). Customary International Humanitarian Law, Cambridge, the United Kingdom at the university Press.
- Mohagegh Damad, S.Mostafa(۲۰۰۵). Protection of Individuals in Armed Conflict under International and Islamic Laws, Global Scholarly publications New York.
- Tomuschat, Christian(۱۹۸۶). Ethos, Ethics and Morality in International Relations, In Encyclopedia of Public International Law, Vol ۹. North Holand.
- The International Committee of the Red Cross(۲۰۰۴). What is International Humanitarian Law?, ICRC.
- <http://www.iranresearches.ir>